



Comparative Study of Child Rights in the Legal Systems of Iran and Iraq

Adel Asgharpoor-Tolouei ¹, Mina Taherian-Dehkordi ²

1. Assistant Professor, Department of Law, Islamic Azad University, Shabestar Branch, Iran, Email: m.taherian.dehkordi@gmail.com

2. M.A. Candidate in Family Law, Islamic Azad University, Shabestar Branch, Iran, Email: adel_tolouay@yahoo.com

Abstract

The child, as the most fundamental human and social capital of any society, requires special legal protection to ensure full utilization of physical, psychological, and intellectual capacities for growth and self-development. In recent decades, child rights have transcended a merely ethical norm and become one of the key indicators for evaluating the efficiency of legal systems and the level of human development of states. This research aims to conduct a comparative analysis of the legal frameworks protecting children in Iran and Iraq, examining the similarities and differences in their legislative and executive structures. It adopts a descriptive-analytical and comparative method, drawing upon national, jurisprudential, and international sources—including constitutional, civil, penal, and protective laws of both countries—alongside the Convention on the Rights of the Child (CRC) and relevant Islamic jurisprudential interpretations. The findings reveal that, despite sharing common religious and cultural foundations and both being parties to the CRC, the two legal systems exhibit significant divergences in domestic legislation and enforcement mechanisms. In Iran, child rights extend beyond the postnatal stage to include fetal rights, prenatal maintenance, and other financial and non-financial entitlements grounded in Imami jurisprudence. Conversely, Iraq's legal system, though influenced by CRC-based reforms, still suffers from weak enforcement guarantees, the dominance of tribal traditions, and limited institutional capacity for effective child protection. Consequently, both countries face challenges such as child labor, early marriage, inadequate judicial oversight, weak protective institutions, and limited participation of children in decision-making processes. The comparative analysis concludes that the realization of the CRC's foundational principles depends on jurisprudentially grounded legislative reforms, enhanced efficiency of administrative institutions, and increased public education regarding child rights.

Keywords: Child Rights, Comparative Law, Iran, Iraq, Islamic Jurisprudence, Convention on the Rights of the Child (CRC).

Received: 29/07/2025; **Revised:** 06/10/2025; **Accepted:** 13/11/2025; **Published online:** 27/11/2025.

How To Cite: Asgharpoor Tolouei, A & Taherian Dehkordi, M. (2025). Comparative Study of Child Rights in the Legal Systems of Iran and Iraq. *Private Law Doctrines of Islamic Countries*, 2(3), 1-18. <http://www.doi.org/10.22091/dplic.2026.15018.1077>

Published by: University of Qom

The Author(s)

Article type: Research





مطالعه تطبیقی حقوق کودک در نظام‌های حقوقی ایران و عراق

عادل اصغرپورطلوعی^۱، مینا طاهریان دهکردی^۲

۱. استادیار گروه حقوق، واحد شبستر، دانشگاه آزاد اسلامی، شبستر، ایران. رایانامه: adel_toloay@yahoo.com

۲. کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شبستر، رشته حقوق، گرایش حقوق خانواده، ایران. (نویسنده مسئول): رایانامه: m.taherian.dehkordi@gmail.com

چکیده

کودک به‌منزله‌ی بنیادی‌ترین سرمایه انسانی و اجتماعی هر جامعه، به حمایت‌های حقوقی ویژه‌ای نیاز دارد تا از تمامی ظرفیت‌های جسمی، روانی و فکری خویش برای رشد و شکوفایی برخوردار شود. در دهه‌های اخیر، «حقوق کودک» از سطح هنجاری اخلاقی فراتر رفته و به یکی از شاخص‌های ارزیابی کارآمدی نظام‌های حقوقی و توسعه انسانی دولت‌ها تبدیل شده است. پژوهش حاضر با هدف بررسی تطبیقی ساختار حقوقی حمایت از کودک در دو کشور ایران و عراق، به تحلیل تطابق و تفاوت‌های تقنینی و اجرایی موجود میان این دو نظام حقوقی پرداخته است. این مطالعه با روش توصیفی-تحلیلی و رویکرد تطبیقی انجام شده و منابع قانونی، فقهی و بین‌المللی مرتبط از جمله قانون اساسی، قوانین مدنی، جزایی و حمایتی ایران و عراق، همچنین مفاد کنوانسیون حقوق کودک (CRC) و تفسیرهای فقهی مرتبط را مورد بررسی قرار داده است. یافته‌ها نشان می‌دهد هر دو کشور، علی‌رغم اشتراک در مبانی دینی و فرهنگی و پیوستن به کنوانسیون حقوق کودک، در سطح قوانین داخلی و سازوکارهای اجرایی دارای اختلاف‌های قابل توجهی هستند. در نظام حقوقی ایران، حقوق کودک علاوه بر مرحله‌ی پس از تولد، شامل حقوق جنین، نفقه‌ی پیش از تولد و سایر حقوق مالی و غیرمالی نیز می‌شود که برخاسته از آموزه‌های فقه امامیه است. در مقابل، نظام حقوقی عراق با وجود انجام اصلاحات قانونی متأثر از کنوانسیون، همچنان از ضعف ضمانت‌های اجرایی، سلطه‌ی سنت‌های قبیله‌ای و محدودیت ظرفیت نهادی در حمایت مؤثر از کودکان رنج می‌برد. در نتیجه، هر دو کشور با چالش‌هایی همچون کار کودک، ازدواج زود هنگام، نارسایی در نظارت قضایی، کم‌رنگ بودن نقش نهادهای حمایتی، و فقدان مشارکت مؤثر کودک در فرآیندهای تصمیم‌گیری مواجه‌اند. برآیند تحلیل تطبیقی نشان می‌دهد که تحقق اصول بنیادین کنوانسیون در گرو اصلاح تقنینی مبتنی بر مبانی فقهی بومی، ارتقاء کارآمدی نهادهای اجرایی و آموزش عمومی درباره حقوق کودک است.

کلیدواژه‌ها: حقوق کودک، تطبیق حقوقی، ایران، عراق، فقه اسلامی، کنوانسیون حقوق کودک.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۵/۰۷؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۰۷/۱۴؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۸/۱۲؛ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۰۹/۰۶.

استناد: اصغرپورطلوعی، عادل و طاهریان دهکردی، مینا (۱۴۰۴). مطالعه تطبیقی حقوق کودک در نظام‌های حقوقی ایران و عراق، *آموزه‌های حقوق خصوصی کشورهای اسلامی*، ۲(۳)، ۱-۱۸. doi.org. http://www.

10.22091/dplic.2026.15018.1077



مقدمه

حمایت از حقوق کودک از بنیادی‌ترین شاخص‌های سنجش عدالت اجتماعی و میزان توسعه انسانی در جوامع معاصر به شمار می‌آید. کودک به‌عنوان آسیب‌پذیرترین عضو جامعه انسانی، بیش از هر گروه اجتماعی دیگر نیازمند تمهیدات حمایتی و ضمانت‌های تقنینی از سوی دولت و خانواده است؛ زیرا نقض حقوق او می‌تواند مستقیماً بر ساختار آینده فرهنگی و اجتماعی کشور اثرگذار باشد. در سطح بین‌المللی اصول مربوط به کرامت ذاتی، حق حیات، آموزش، رشد و مشارکت کودک در امور اجتماعی، محور اصلی نظام جهانی حمایت از حقوق کودک را تشکیل می‌دهد. این اصول به‌منزله معیارهای عمومی سنجش عملکرد دولت‌ها در حوزه حقوق بشر تلقی می‌شوند و مبنای شکل‌گیری نظام‌های حقوقی داخلی قرار گرفته‌اند.

در جهان اسلام با وجود وحدت مبانی ارزشی مشترک، تفاوت در مبانی فقهی و فرهنگی درباره مفهوم «کودک» و حدود اهلیت او موجب تنوع در رویکرد قانون‌گذاری شده است. چنان‌که در فقه امامیه، بررسی‌های شهید ثانی در شرح اللمعه الدمشقیه و نیز امام خمینی رحمته الله علیه در تحریرالوسیله، حدود اهلیت طفل را بر پایه بلوغ شرعی و رشد عقلانی تبیین کرده‌اند؛ مفاهیمی که اساس تمایز میان «صغیر ممیز» و «غیر ممیز» را تشکیل می‌دهد و آثار حقوقی مستقل دارد. از میان کشورهای اسلامی، ایران و عراق به دلیل اتکای نظام حقوقی‌شان بر فقه اسلامی (به‌ترتیب امامیه و حنفیه) نمونه‌ای برجسته از این تفاوت محسوب می‌شوند. هر دو کشور اگرچه اصل حمایت از کودک را پذیرفته و در اسناد بین‌المللی متعهد به اجرای آن هستند، اما در مرحله تقنین و اجرا با چالش‌هایی مواجه‌اند که ریشه در تداخل میان الزامات شرع و تعهدات بین‌المللی دارد. در ایران قانون‌گذار با تصویب مقررات متعددی در قانون مدنی، قانون حمایت از کودکان و نوجوانان و قانون مجازات اسلامی، در صدد تلفیق آموزه‌های فقهی با معیارهای نوین حقوق بشر بوده است. این حمایت حتی از مرحله پیش از تولد آغاز می‌شود و حقوق جنین در زمینه‌هایی چون ارث، نفقه، وصیت و دیه مورد شناسایی قرار گرفته است. در مقابل، نظام حقوقی عراق با پشتوانه قانون احوال شخصیه و اصلاحات آن، علی‌رغم پیش‌بینی مقررات حمایتی در مباحث حضانت و ولایت، به سبب بی‌ثباتی سیاسی و ضعف نهادی، با محدودیت‌هایی در تحقق عملی حقوق کودک مواجه است. افزون بر آن، اتکای تقنینی به فقه حنفی در تعیین سن حضانت، ولایت و مسئولیت کیفری، مانع هم‌سویی کامل با موازین جهانی شده است. در منابع فقه امامیه، بلوغ شرعی نه‌تنها از جهت تکلیف دینی، بلکه به‌عنوان شرط تحقق اهلیت قانونی نیز مورد تصریح است؛ همان‌گونه که در شرح لمعه (کتاب الطهارة و البیع) و تحریرالوسیله (جلد دوم، القول فی الصبی و المجنون) آمده، طفل تا زمان بلوغ فاقد اهلیت تملک مستقل و نفوذ تصرف مالی است، مگر با اذن ولی قهری.

از دیدگاه تطبیقی، تفاوت در تعیین سن کودکی، محدوده حضانت مادر و تعریف مصلحت طفل، بازتابی از تنوع اجتهاد در مذاهب اسلامی است. برای نمونه، در ایران حضانت کودک تا هفت‌سالگی نزد مادر است، در حالی که در عراق تا ده‌سالگی برقرار بوده و در شرایط خاص تا پانزده سال قابل تمدید است. این اختلافات به روشنی نشان می‌دهد که مفهوم مصلحت طفل، با وجود اشتراک در مبانی شرعی، در عمل دچار تفسیرهای گوناگون شده است. بر پایه این ملاحظات، پرسش محوری مقاله حاضر آن است که چگونه می‌توان در دو نظام حقوقی ایران و عراق میان اصول فقهی و تعهدات ناشی از اسناد بین‌المللی حقوق کودک نوعی همگرایی مؤثر برقرار ساخت؟ همچنین چه موانع تقنینی و نهادی مانع از تحقق کامل حمایت‌های قانونی از کودک در هر یک از این دو نظام است؟

در زمره پژوهش‌های تطبیقی انجام‌شده در حوزه حقوق کودک، پایان‌نامه یعرب بلاسم طلال الجحیشی با عنوان «حقوق اساسی کودک؛ بررسی تطبیقی قانون عراق و ایران» (۱۴۰۱) شایان توجه است. نویسنده در این پژوهش با تکیه بر مبانی شریعت اسلامی و قوانین موضوعه، وضعیت حقوق اساسی کودک را در دو نظام حقوقی ایران و عراق مورد بررسی تطبیقی قرار داده و ضمن تأکید بر جایگاه ممتاز اسلام در شناسایی و حمایت از حقوق کودک، به وجود فاصله میان مقررات قانونی و تحقق عملی این حقوق، به‌ویژه در شرایط اجتماعی و سیاسی خاص عراق اشاره کرده است.

هدف پژوهش حاضر، تحلیل تطبیقی ابعاد مفهومی و تقنینی حقوق کودک در دو کشور و ارزیابی میزان انطباق هر نظام با استانداردهای بین‌المللی است. روش تحقیق مبتنی بر رویکرد توصیفی-تحلیلی با استفاده از منابع فقهی، قانونی و اسنادی بوده و داده‌ها از قوانین داخلی، آرای فقهی و اسناد بین‌المللی گردآوری و تطبیق شده‌اند.

یافته‌های مقدماتی حکایت از آن دارد که هر دو کشور، علی‌رغم برخورداری از ظرفیت‌های فقهی غنی برای حمایت از کودک، در مرحله اجرا با ضعف‌های نظارتی و فقدان ضمانت‌های مؤثر مواجه‌اند. از این رو، بازنگری در ساختارهای حمایتی، ایجاد دادگاه‌های تخصصی اطفال و ارتقای آموزش عمومی حقوق کودک، از جمله الزاماتی است که می‌تواند تحقق عینی مفاد اسناد بین‌المللی در چارچوب اصول فقه اسلامی را امکان‌پذیر سازد.

۱. مبانی نظری و مفهومی حقوق کودک

۱-۱. تعریف و خاستگاه مفهوم «حقوق کودک»

حقوق کودک نه صرفاً مجموعه‌ای از قواعد مدنی یا کیفری، بلکه یک نظام فکری و حقوقی مستقل در منظومه حقوق بشر معاصر است که با محوریت سه اصل بنیادین شناخته می‌شود:

۱. حق بقا؛^۱

۲. حق رشد و توسعه؛^۲

۳. حق مشارکت و شنیده شدن صدای کودک.^۳

ظهور این رویکرد به حقوق کودک در قرن بیستم، نتیجه تحول در نگرش از «کودک به‌عنوان موضوع تربیت» به «کودک به‌عنوان دارنده حق» است (مکارم شیرازی، ۱۳۹۵؛ کریم‌پور و بهرامی، ۱۴۰۳). تدوین تدریجی اسناد بین‌المللی نظیر اعلامیه ژنو ۱۹۲۴، اعلامیه حقوق کودک ۱۹۵۹ و سرانجام کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹ (CRC)، سبب شد که حمایت از کودک از سطح توصیه اخلاقی به مرحله الزام حقوقی ارتقا یابد. در این کنوانسیون، دولت‌ها مکلف شده‌اند با لحاظ تفاوت‌های فرهنگی و دینی، بستر رشد متوازن کودک را در همه زمینه‌های جسمی، روانی، آموزشی، فرهنگی و اقتصادی فراهم کنند (UNICEF, 1989).

۲-۱. تعریف «کودک» در سطوح بین‌المللی و فقهی و ملی

در سطح بین‌المللی، ماده ۱ کنوانسیون حقوق کودک مقرر می‌دارد: «منظور از کودک هر انسانی است که کمتر از ۱۸ سال تمام دارد، مگر آنکه طبق قانون حاکم بر وی، سن بلوغ زودتر محقق شود.» این تعریف مبتنی بر معیار سن تقویمی رشد است، نه بلوغ جنسی یا شرعی و هدف آن یکسان‌سازی حمایتی تا مرز ۱۸ سالگی است. در نتیجه حتی اگر بلوغ جسمی زودتر حاصل شود، دولت‌ها ملزم‌اند از حمایت‌های آموزشی، اجتماعی و حقوقی از فرد تا ۱۸ سالگی صیانت کنند. در مقابل در فقه اسلامی، بلوغ شرعی و نه سن تقویمی، معیار آغاز مسئولیت‌های فقهی و کیفری است. این تفاوت منبع اصلی افتراق میان نظام‌های اسلامی و نظام بین‌المللی در حوزه حقوق کودک تلقی می‌شود.

در ایران معیار بلوغ شرعی طبق فقه امامیه برای پسر ۱۵ سال تمام قمری و برای دختر ۹ سال تمام قمری است. این مفهوم در قانون مجازات اسلامی (ماده ۱۴۷ و ۱۴۸) و قانون مدنی (ماده ۱۲۱۰ به همراه تبصره‌های آن) ملاک قرار گرفته است. با این حال، قانون‌گذار در عرصه‌هایی همچون قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹ و قانون کار (ماده ۷۹) از محدوده سنی ۱۸ سال به‌عنوان معیار حمایتی استفاده نموده و در نتیجه سیستم دوگانه‌ای پدید آمده است (کاتوزیان، ۱۳۹۵: ۲۹۱).

در عراق قانون احوال شخصیه شماره ۱۸۸ سال ۱۹۵۹، اگرچه با الهام از فقه حنفی تدوین شده، اما با اصلاحات بعدی (به‌ویژه در مواد ۴۶ و ۵۷)، تمایل به معیار سنی ۱۸ سال را در برخی حوزه‌ها، از جمله اهلیت ازدواج و مسئولیت کیفری پذیرفته است. هم‌زمان مفاهیم فقهی مانند بلوغ و رشد نیز در تعیین حضانت و ولایت همچنان نقش دارند (الجحیشی، ۲۰۲۲). بدین ترتیب، هرچند هر دو نظام در ظاهر از

1 . Survival

2. Development

3 . Participation

مفهوم بلوغ فقهی تبعیت می‌کنند، در عمل ایران در سطح مدنی و کیفری بیشتر پایبند به بلوغ شرعی است، در حالی که عراق پس از اصلاحات دهه اخیر، به سمت معیار ۱۸ سال حرکت کرده است.

۳-۱. مفهوم «بهترین منافع کودک»

اصل «بهترین منافع کودک» که در ماده ۳ کنوانسیون CRC مورد تأکید واقع شده، شالوده تفسیر و اجرای تمامی مقررات حقوق کودک است. بر اساس این اصل، در هر تصمیمی که تأثیری مستقیم یا غیرمستقیم بر کودک دارد، از تصمیم قضایی درباره حضانت گرفته تا سیاست‌گذاری‌های آموزشی و اقتصادی مصلحت عالیۀ کودک باید ملاک قضاوت قرار گیرد. در نظام فقه امامیه، مفهوم مشابهی وجود دارد که تحت عنوان غبطه و مصلحت صغیر شناخته می‌شود (قانون مدنی، مواد ۱۱۸۴ و ۱۱۸۵). از این منظر، هرگونه تصرف ولی یا قیم در امور کودک باید منطبق با مصلحت شناخته شده از سوی حاکم شرع باشد. این هم‌پوشانی مفهومی نشان می‌دهد که اصل «مصلحت کودک» در اسلام دارای پشتوانۀ اجتهادی بوده و تعارض بنیادین با اصل «بهترین منافع کودک» در کنوانسیون ندارد؛ بلکه تفاوت در دامنه تفسیر و مرجع تشخیص آن است (صفایی و امامی، ۱۳۹۷: ۱۸۴).

در حقوق عراق نیز، اصل مصلحت طفل در ماده ۵۷ قانون احوال شخصیه تصریح شده است، آنجا که در مورد حضانت می‌گوید: «در تمامی تصمیمات مرتبط با حضانت کودک، مصلحت وی مقدم بر حقوق والدین است.» اما چالش اصلی هر دو نظام آن است که تشخیص مصلحت غالباً به قاضی یا روحانی محول می‌شود، نه به متخصصان روان‌شناسی و مددکاری و همین امر موجب برداشت‌های ناهمگن از مفهوم مذکور می‌شود.

۲. مبانی حمایت از حقوق کودک در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

اصل ۲۱ قانون اساسی، دولت را موظف می‌داند تا حقوق زنان و مادران را در جهات مختلف تضمین کند و به‌صراحت بر حمایت از مادران، به‌ویژه در دوران بارداری و حضانت فرزندان تأکید می‌نماید. از منظر حقوق کودک، این اصل واجد نقش پیشینی در حمایت از کودک است؛ زیرا حمایت مؤثر از مادر به‌طور مستقیم در تأمین سلامت جسمی و روانی و امنیت اجتماعی کودک مؤثر است و بستر رشد متوازن او را فراهم می‌کند. اصل ۳۰ قانون اساسی نیز با شناسایی حق آموزش رایگان تا پایان دوره متوسطه، یکی از بنیادی‌ترین حقوق اجتماعی کودک را به رسمیت می‌شناسد. آموزش افزون بر نقش تربیتی و فرهنگی، به‌عنوان ابزار پیشگیری از بازتولید فقر و چرخه‌های بزهکاری و نابرابری‌های ساختاری عمل می‌کند و از این حیث، جایگاهی محوری در سیاست‌های کلان حمایتی از کودک دارد. گنجاندن این حق در سطح قانون اساسی بیانگر التزام دولت به تأمین حداقل‌های رشد انسانی برای کلیه کودکان، فارغ از وضعیت اقتصادی و اجتماعی خانواده آنان است.

علاوه بر این، اصول عام قانون اساسی نیز در تقویت حمایت از حقوق کودک نقش بنیادین دارند. اصل ۳ با تصریح بر وظایف دولت در ایجاد محیط مساعد برای رشد فضایل اخلاقی، رفع تبعیض و تأمین عدالت اجتماعی، پشتوانه‌ای عام برای سیاست‌گذاری‌های حمایتی در حوزه کودکان فراهم می‌آورد. اصل ۲۰ با تأکید بر برخورداری همه افراد از حمایت یکسان قانون و اصل ۲۸ با شناسایی حق اشتغال و انتخاب شغل شایسته، در سطح مفهومی، زمینه تضمین انصاف ساختاری و کرامت انسانی کودک را در مسیر آینده اجتماعی او تقویت می‌کنند. در مجموع، هرچند قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران وارد جزئیات حقوقی ناظر بر وضعیت کودک در حوزه‌های کیفری، مدنی و اقتصادی نمی‌شود، اما با ترسیم مجموعه‌ای از اصول هنجاری و تعهدات دولت، بنیان نظری و ارزشی لازم برای توسعه قوانین عادی و سیاست‌های حمایتی در حوزه حقوق کودک را فراهم کرده است. از این منظر، قانون اساسی نقش چارچوب‌ساز و جهت دهنده را ایفا می‌کند و تنظیم و تضمین حقوق تفصیلی کودک را به سطح قانون‌گذاری عادی واگذار می‌نماید.

۱-۲. مسئولیت کیفری اطفال

قانون‌گذار ایران میان «بلوغ شرعی» و «مسئولیت کیفری کامل» تمایز قائل شده است. بر اساس ماده ۱۴۷ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲)، اطفال تا سن بلوغ از مسئولیت کیفری مبری هستند، لیکن در صورت ارتکاب بزه، اقدامات تأدیبی یا تربیتی متناسب با وضعیت سنی و شخصیتی آنان اعمال می‌شود. این رویکرد بیانگر شناسایی وضعیت خاص کودک در فرآیند عدالت کیفری و پرهیز از اعمال مجازات‌های مشابه با بزرگسالان است. افزون بر این، قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹، در گامی مترقی مصادیق متعددی از خشونت، غفلت، استثماری، خرید و فروش و قاچاق کودک را جرم‌انگاری کرده و با پیش‌بینی سازوکارهای حمایتی، دادگاه‌های ویژه اطفال را به اتخاذ رویکرد بازپرورانه و حمایتی به‌جای رویکرد صرفاً تنبیهی مکلف نموده است. این قانون حمایت کیفری از کودک را از سطح واکنش پسینی به سطح پیشگیری و مداخله حمایتی ارتقا داده است. در مجموع، می‌توان گفت رویکرد قانون‌گذار ایرانی در حوزه مسئولیت کیفری اطفال، از تمرکز بر مجازات به سمت حمایت از بزه‌دیده خردسال، اصلاح و بازاجتماعی‌سازی کودک بزه‌کار و لحاظ مصلحت طفل حرکت کرده است؛ امری که نشان‌دهنده تحول سیاست جنایی ایران در قبال حقوق کودک در چارچوب قوانین عادی است.

۲-۲. حقوق مدنی: ولایت و حضانت و سرپرستی

در فقه معاصر نیز حقوق کودک ذیل مقاصد شریعت تحلیل شده است. قرضای با تأکید بر عدالت و حفظ کرامت انسانی و رفع ضرر معتقد است که کودک دارای حقوق مستقل شرعی است و دولت و خانواده مکلف به تضمین این حقوق‌اند، حتی اگر این تضمین به محدودسازی اختیارات ولی منجر شود (قرضای، فقه الأسرة). علامه حلی در تذکره الفقهاء، در ابواب مربوط به نکاح و ولایت و حضانت بر نقش حمایتی شریعت

نسبت به کودک تأکید کرده و تصریح می‌کند که هرگونه تصرف ولی در امور صغیر باید منطبق با مصلحت او باشد و در غیر این صورت فاقد مشروعیت فقهی است (علامه حلی، تذکره الفقهاء). بر اساس مواد ۱۱۶۸ تا ۱۱۹۴ قانون مدنی، حضانت نسبت به طفل هم حق و هم تکلیف والدین است. این تلقی ریشه در دیدگاه فقهای امامیه دارد؛ چنان‌که شهید ثانی در شرح لمعه (باب النکاح، فصل الحضانه)، حضانت را وظیفه‌ای شرعی و نه صرفاً حقی شخصی تلقی کرده و امام خمینی رحمته نیز در تحریرالوسیله (کتاب النکاح، القول فی الحضانه) ترک حضانت را در صورت عدم احراز عذر شرعی، در حکم اهمال واجب دانسته است. مطابق ماده ۱۱۶۹ قانون مدنی، حضانت طفل تا هفت سالگی با مادر و پس از آن با پدر خواهد بود، مگر آنکه مصلحت طفل اقتضای تصمیمی متفاوت داشته باشد که در این صورت، تشخیص آن بر عهده دادگاه است. در باب ولایت قهری بر اموال و تصمیمات اساسی مربوط به کودک، قانون مدنی ایران پدر و جد پدری را ولی قهری می‌شناسد. با این حال، برای جلوگیری از سوءاستفاده از اختیار ولایت، قانون‌گذار سازوکار نظارتی پیش‌بینی کرده است؛ به‌گونه‌ای که مطابق مواد ۱۱۸۴ و ۱۱۸۵ قانون مدنی، دادگاه می‌تواند در صورت احراز عدم رعایت مصلحت طفل یا سوءاستفاده از ولایت، ولی قهری را عزل یا محدود نماید. این امر نشان دهنده غلبه رویکرد حمایتی بر رویکرد اقتدارمحور در حقوق مدنی کودک است. در خصوص فرزندخواندگی، فقه امامیه «تبتی» به معنای تغییر نسب واقعی را جایز نمی‌داند؛ ازاین‌رو حقوق ایران به‌جای آن، نظام «کفالت و سرپرستی» را پذیرفته است. قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست و بدسرپرست مصوب ۱۳۹۲، با حفظ نسب شرعی کودک، امکان تأمین سرپرستی قانونی، حمایت عاطفی و تأمین نیازهای مادی و تربیتی کودک را فراهم می‌کند. این سازوکار تلاشی برای جمع میان ملاحظات فقهی و الزامات حمایتی حقوق کودک در نظام حقوقی ایران محسوب می‌شود.

۲-۳. حقوق اقتصادی و مقابله با کار کودک

مقررات کار ایران، در راستای حمایت از حقوق اقتصادی و اجتماعی کودک، کار کودکان زیر ۱۵ سال تمام را ممنوع اعلام کرده است. مطابق ماده ۷۹ قانون کار مصوب ۱۳۶۹، به‌کارگیری کودکان در این سن مطلقاً ممنوع بوده و برای کار نوجوانان نیز محدودیت‌ها و حمایت‌های خاصی پیش‌بینی شده است. این مقررات در راستای شناسایی آسیب‌پذیری جسمی و روانی کودک و جلوگیری از بهره‌کشی اقتصادی از او تدوین شده‌اند. با وجود این چارچوب تقنینی، در واقعیت اجتماعی، پدیده کودکان کار همچنان به‌طور گسترده مشاهده می‌شود. عواملی نظیر فقر ساختاری، مهاجرت، ضعف پوشش‌های حمایتی و ناکارآمدی برخی سازوکارهای اجرایی موجب شده است که بخش قابل توجهی از کودکان، به‌ویژه در مشاغل غیررسمی در معرض نقض حقوق اقتصادی و آموزشی قرار گیرند (کریم‌پور و بهرامی، ۱۴۰۳). این وضعیت نشان دهنده فاصله میان قانون‌گذاری حمایتی و تحقق عملی آن در جامعه است.

در اسناد بین‌المللی نیز، حداقل سن اشتغال ۱۵ سال و برای کارهای سخت، زیان‌آور و شبانه ۱۸ سال تعیین شده است. هرچند این استانداردها الزام‌آور مستقیم در حقوق داخلی نیستند، اما می‌توانند به‌عنوان معیار تفسیری در تقویت سیاست‌های حمایتی داخلی مورد توجه قرار گیرند. انطباق مؤثر قواعد مربوط به منع کار کودک با شرایط فرهنگی و اقتصادی ایران، مستلزم تقویت نظام بازرسی کار، افزایش حمایت‌های اجتماعی از خانواده‌های محروم و هماهنگی میان نهادهای اجرایی مرتبط است. در مجموع، اگرچه حقوق ایران از منظر قانون‌گذاری، حمایت نسبی از حقوق اقتصادی کودک را به رسمیت شناخته است، اما تحقق عملی این حمایت‌ها نیازمند سیاست‌های مکمل اجتماعی، نظارت مؤثر و مداخله پیشگیرانه برای کاهش زمینه‌های اقتصادی نقض حقوق کودک است.

۳. بررسی تطبیقی حقوق کودک در نظام حقوقی عراق

نظام حقوقی عراق به‌طور ماهوی تلفیقی از عناصر حقوق مدنی اروپایی (به‌ویژه نظام حقوقی فرانسه) و نظام فقهی اسلامی است. این ترکیب که از زمان تأسیس دولت مدرن عراق (۱۹۲۱) و تدوین قانون مدنی توسط حقوق‌دان برجسته عراقی، «عبدالرزاق السنهوری» شکل گرفت، باعث شد ساختار حقوقی عراق دو ویژگی بارز داشته باشد: از یک سو، اصول تدوین شده قانون مدنی عراق (۱۹۵۱) مبتنی بر عقلانیت و تجرید حقوقی مکتب اسلامی مصری است و از سوی دیگر، در موضوعات «احوال شخصیه» (ازدواج، طلاق، حضانت، ولایت و ارث)، احکام فقه اسلامی اعم از جعفری و حنفی و شافعی حاکم است. در نتیجه، رویکرد عراق به «حقوق کودک» از درون‌ساختاری دولایه برمی‌خیزد:

۱. لایه فقهی که چارچوب قواعد خانواده و حضانت را شکل می‌دهد؛
۲. لایه حقوق عمومی و کیفری که از اصلاحات مدنی و بین‌المللی پس از ۲۰۰۵ تأثیر پذیرفته است.

۳-۱. مبانی قانونی در قانون اساسی ۲۰۰۵

قانون اساسی جمهوری عراق مصوب سال ۲۰۰۵، پس از سقوط رژیم بعث و تدوین مجدد نظام دموکراتیک، نسبت به حمایت از خانواده، مادر و کودک توجهی ویژه دارد. این قانون در کنار اصول کلی مربوط به حقوق بشر، حقوق کودک را به‌عنوان بخشی از بنیان اجتماعی کشور تضمین کرده است:

- ماده بیست‌ونهم (۲۹): «خانواده اساس جامعه عراقی و سنگ بنای آن است. دولت پایه‌های آن را بر دین و اخلاق و میهن‌دوستی استوار می‌سازد و موظف است از مادران و کودکان و سالمندان حمایت کند و از استثمار آنان جلوگیری به عمل آورد.»

- ماده سی ام (۳۰): «دولت موظف است برای همه شهروندان، به ویژه کودکان و زنان، حمایت اجتماعی، تأمین سلامت و فرصت آموزش رایگان متناسب با نیازهای اقتصادی فراهم آورد.»

این دو ماده، روح حاکم بر نظام حقوق کودک در عراق را نشان می‌دهد؛ چراکه حمایت از کودک را نه صرفاً یک تکلیف قانونی، بلکه «وظیفه‌ای اجتماعی و اخلاقی دولت و جامعه» معرفی کرده است. افزون بر این، ماده ۳۲ نیز به‌طور خاص، دولت را به «حمایت از کودکان دارای نیازهای ویژه و قربانیان جنگ» مکلف کرده است. این اصول، بنیان حقوقی تشکیل نهادهایی نظیر «هیئت ملی حمایت از خانواده و کودک»^۱ را فراهم نموده است.

۳-۲. قانون احوال شخصیه و حقوق خانواده (۱۹۵۹)

قانون احوال شخصیه شماره ۱۸۸ (۱۹۵۹) مهم‌ترین منبع تنظیم روابط خانوادگی و حقوق کودکان در عراق است. این قانون، با وجود قدمت شصت‌ساله هنوز به‌عنوان قانون مادر خانواده شناخته می‌شود و در سال‌های پس از ۲۰۰۵ اصلاحاتی در راستای انطباق با اسناد حقوق بشری بین‌المللی یافته است. در میان مواد این قانون، ماده ۵۷ جایگاه ویژه‌ای دارد و به تفصیل به مسئله حضانت و مصلحت کودک و حق انتخاب پس از بلوغ پرداخته است: «حضانت طفل تا ده‌سالگی با مادر است و دادگاه می‌تواند در صورت اقتضای مصلحت طفل، این مدت را تا پانزده‌سالگی تمدید کند. پس از اتمام این سن، طفل اختیار دارد با پدر یا مادر زندگی کند.»

این ماده، انعطاف خاص نظام حقوقی عراق را نسبت به ایران نشان می‌دهد؛ زیرا اولاً سن حضانت (۱۰ تا ۱۵ سال) بیشتر از معیار ایران (۷ سال) است و ثانیاً حق انتخاب کودک برای اقامت با یکی از والدین، به صراحت ذکر شده است. در عین حال، دادگاه در تشخیص مصلحت طفل مرجع نهایی است و می‌تواند بنابر شرایط، حضانت را میان والدین تقسیم کند؛ این دیدگاه برگرفته از تفسیر مصلحت‌محور فقه حنفی و اصول عدالت اجتماعی پس از اصلاحات مدنی است (الجحیشی، ۲۰۲۲: ۸۲).

در خصوص ولایت بر کودک (الولاية علی النفس والمال)، ماده ۳۳ قانون احوال شخصیه، پدر را ولی قهری طفل می‌داند و در صورت فقدان یا حجر پدر، جد پدری یا وصی منصوب از سوی وی در مرتبه بعدی قرار می‌گیرد. تنها در موارد اثبات سوءاستفاده از ولایت (با حکم قضایی)، دادگاه می‌تواند قیم منصوب کند. بدین ترتیب، نظام ولایت در عراق مشابه ایران ماهیت مردسالارانه دارد، اما برخلاف ایران در برخی شعب دادگاه‌های خانواده، قاضی با نظر مددکار اجتماعی می‌تواند مادر را به‌طور موقت قیم مالی طفل تعیین نماید.

از منظر نکاح و اهلیت کودک، ماده ۸ قانون احوال شخصیه مقرر می‌دارد که ازدواج پیش از ۱۸ سالگی ممنوع است، مگر در صورت صدور اجازه از دادگاه و تحقق مصلحت واقعی طفل. با این حال، اجرای این حکم در مناطق روستایی با چالش‌های فرهنگی مواجه است و ازدواج دختران خردسال همچنان شیوع دارد (العبدالله، ۲۰۲۱: ۹۲).

۳-۳. حقوق کیفری اطفال در عراق

حقوق کیفری عراق پیش از سال ۲۰۰۳ تحت تأثیر نظام جزایی بعثی بود، اما پس از اصلاحات قانونی در دهه ۲۰۱۰، رویکرد کیفری کشور نسبت به اطفال از تنبیهی به حمایتی و اصلاحی تغییر یافته است. مهم‌ترین مقررات در این حوزه عبارت‌اند از:

- قانون جزای عراق مصوب ۱۹۶۹ (مواد ۷۳ تا ۷۸): اطفال زیر ۹ سال مطلقاً فاقد مسئولیت کیفری‌اند. بین ۹ تا ۱۸ سال، مسئولیت نسبی اعمال می‌شود، به این معنا که تنها در صورت احراز تمیز و رشد کیفری و با نظر دادگاه اطفال، مجازات اصلاحی (نه حبس) قابل اعمال است.
- قانون دادرسی کیفری نوجوانان مصوب ۱۹۸۳ (اصلاح شده در ۲۰۱۰): این قانون بر جداسازی نوجوانان از بزرگسالان و تمرکز بر بازپروری اجتماعی تأکید دارد. ماده ۳ مقرر می‌دارد: «هیچ طفل یا نوجوانی نباید با بزرگسالان در یک محل نگهداری گردد.»
- نظام‌نامه دادگاه‌های اطفال (۲۰۱۲): دادگاه‌های تخصصی اطفال در بغداد و بصره ایجاد شدند که مأموریت آن‌ها، اعمال تدابیر تربیتی و روان‌شناختی به جای حبس است. به‌رغم این پیشرفت‌ها، گزارش‌های نهادهای بین‌المللی (از جمله یونسف، ۲۰۲۲) نشان می‌دهد که در مناطق جنگ‌زده، کودکان قربانیان جنگ و تروریسم گاه بدون مجوز قضایی بازداشت می‌شوند و نظام اجرای احکام اطفال هنوز از محدودیت منابع و ناهماهنگی نهادی رنج می‌برد.

۴-۳. کار کودک و آموزش در عراق

پدیده کار کودک در عراق، همانند ایران، از چالش‌های اساسی حمایت از کودکان محسوب می‌شود. اگرچه ماده ۹۰ قانون کار عراق (۲۰۱۵) اشتغال کودکان زیر ۱۵ سال را ممنوع کرده است، بحران‌های اقتصادی ناشی از جنگ و بی‌ثباتی سیاسی موجب شده تا نرخ اشتغال کودکان در بازار غیررسمی از مرز ۲۵ درصد فراتر رود (الحسن، ۲۰۲۲: ۱۱۸).

عمده کودکان کار در مناطق جنوبی (مانند بصره، میسان و ذی‌قار) فعالیت‌های سختی چون جمع‌آوری زباله، کار در کارگاه و فروش خیابانی را برعهده دارند. ضعف نظام بازرسی کار، نبود حمایت بیمه‌ای و عدم دسترسی خانواده‌های فقیر به خدمات اجتماعی، این وضعیت را تشدید کرده است.

در بخش آموزش، دولت عراق به موجب ماده ۳۰ و ۳۱ قانون اساسی، موظف به ارائه آموزش ابتدایی رایگان و اجباری است. با این حال، طبق گزارش وزارت آموزش عراق (۲۰۲۳)، حدود ۳ میلیون کودک در سن مدرسه از تحصیل بازمانده‌اند که علت اصلی آن، تخریب مدارس و فقدان امنیت و مهاجرت‌های داخلی پس از جنگ با داعش است.

سازمان یونیسف و اتحادیه اروپا از سال ۲۰۱۹ تاکنون پروژه‌هایی برای بازسازی مدارس، آموزش دختران و بازگرداندن کودکان پناهنده به چرخه آموزش اجرا می‌کنند. با این حال، نظام آموزشی عراق همچنان با چالش کیفیت، تراکم دانش‌آموزی و تبعیض جنسیتی روبه‌رو است.

۳-۵. ارزیابی تطبیقی وضعیت عراق نسبت به استانداردهای بین‌المللی

در یک جمع‌بندی تطبیقی، می‌توان گفت نظام حقوقی عراق در سال‌های پس از ۲۰۰۵ به سمت انطباق تدریجی با اصول کنوانسیون حقوق کودک (CRC) حرکت کرده است، اما موانع متعددی مانع اجرای کامل آن است:

جدول ۱- ارزیابی تطبیقی وضعیت عراق نسبت به استانداردهای بین‌المللی

انطباق با CRC	چالش‌های اجرایی	محور حقوقی
نسبتاً منطبق (ماده ۵۷)	تکیه بر برداشت قضایی سنتی	حضانة و مصلحت طفل
نزدیک به استاندارد (۹ تا ۱۸)	کمبود مراکز بازپروری	سن مسئولیت کیفری
انطباق قانونی (۱۵ سال)	ضعف نظارت و فقر اقتصادی	کار کودک
تصریح شده در قانون اساسی	تخریب زیرساخت و نابرابری نواحی	آموزش رایگان
فاقد مقررات خاص	خلأ فرهنگی حقوقی	گفتار و مشارکت کودک

بر این اساس، اگرچه عراق از منظر قانون‌گذاری مسیر مثبتی را طی کرده است، اما از دیدگاه «اجرای قانون»، همچنان فاصله محسوسی با معیارهای بین‌المللی دارد. نبود نظام آماری دقیق و ضعف حمایت‌های نهادی و بحران‌های طولانی مدت جنگ از مهم‌ترین عوامل این فاصله است.

۴. ارزیابی اشتراک‌ها و افتراق‌ها (تحلیل تطبیقی)

مطالعه تطبیقی نظام‌های حقوقی ایران و عراق در حوزه حقوق کودک نشان می‌دهد که اشتراکات عمیقی در مبانی فقهی و ارزشی هر دو نظام وجود دارد؛ اما در زمینه تقنین و اجرا و نهادسازی اختلافاتی قابل توجه دیده

می‌شود. نقطه تمایز اصلی در این است که ایران در فرآیند تقنین حمایتی مسیر منسجم‌تری پیموده، در حالی که عراق در زمینه اجرای عملی مقررات موجود دچار ضعف نهادی جدی است.

۱-۴. اشتراکات بنیادین

۱. تأثیر فقه اسلامی به‌عنوان مبنای نظری: هر دو کشور، ایران و عراق، در تدوین احکام مرتبط با کودک (اعم از حضانت، ولایت، نسب و ازدواج) متکی به فقه اسلامی هستند. در ایران، مبنای فقهی امامیه نقشی مستقیم بر مواد ۱۰۴۱ و ۱۱۶۹ و ۱۱۸۰ قانون مدنی داشته است. در عراق نیز قانون احوال شخصیه ۱۹۵۹/۱۸۸ از ترکیب فقه حنفی و جعفری بهره می‌گیرد. در نتیجه در هر دو نظام، مفاهیمی چون بلوغ شرعی، ولایت قهری پدر و جد پدری و مصلحت صغیر تعیین‌کننده حدود حقوق کودک‌اند. در فقه امامیه، همان‌طور که در شرح لمعه (باب القضاء) تصریح شده، قاضی در دعاوی مربوط به اطفال ملزم به ملاحظه مصلحت طفل است و حتی حکم برخلاف خواست والدین با حفظ مصلحت طفل معتبر شمرده می‌شود. همچنین در فقه امامیه، کودک به‌عنوان شخصی دارای مصلحت مستقل مورد توجه قرار گرفته و فقیهان بر لزوم رعایت مصلحت صغیر در تمامی تصمیمات مرتبط با او تأکید کرده‌اند. صاحب‌جواهر در تبیین مبانی ولایت تصریح می‌کند که «کُلُّ ما یَتَعَلَّقُ بالصَّغیرِ، فالمناط فیهِ رِعايَةُ المصلحة» که نشان‌دهنده تقدم مصلحت کودک بر اراده ولی است (نجفی، جواهرالکلام). امام خمینی رحمته الله علیه نیز در تحریرالوسیله، تراحم مصالح کودک و والد را از مصادیق تقدیم جانب طفل به‌عنوان مصداق عدالت حمایتی می‌داند.

۲. پذیرش اصل حمایت از کودکان در قانون اساسی: اصول ۲۱ و ۳۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و مواد ۲۹ و ۳۰ قانون اساسی عراق (۲۰۰۵) به‌صراحت بر حمایت از کودکان و تضمین حق آموزش رایگان تأکید دارند. این همگرایی در سطح قانون اساسی بیانگر تعهد هر دو نظام به رویکرد حمایتی از کودک است، هرچند ضمانت اجرا و ابزار نهادی متفاوت دارند.

۳. تضمین حق آموزش پایه: ایران به‌موجب اصل ۳۰ قانون اساسی و عراق بر اساس ماده ۳۰ قانون اساسی و قانون آموزش ۲۰۱۱، دولت را ملزم کرده‌اند آموزش ابتدایی را رایگان و اجباری کنند. در هر دو کشور، آموزش به‌عنوان راهکار اصلی برای پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی کودکان شناخته می‌شود.

۴. منع تبیی و حفظ نسب شرعی: هر دو نظام مطابق با قواعد فقهی، نهاد «تبئی» (فرزندخواندگی کامل به سبک غربی) را رد کرده و به جای آن از نهادهای حمایتی جایگزین چون کفالت و سرپرستی استفاده می‌کنند؛ ساختاری که با هدف حفظ نسب و مصلحت طفل طراحی شده است.

۵. پیوستن به کنوانسیون حقوق کودک (CRC): ایران در سال ۱۳۷۳ و عراق در سال ۱۹۹۴ به کنوانسیون ملحق شدند. گرچه هر دو کشور تفسیر شریعت را شرط اجرای مفاد کنوانسیون دانسته‌اند، اصل تعهد بین‌المللی به رعایت سه اصل بنیادین بقا و رشد و مشارکت مورد پذیرش قرار گرفته است.

۲-۴. افتراقات و تفاوت‌های ساختاری

این بخش بر اساس یافته‌های این تحقیق، مقایسه‌ای میان حوزه‌های کلیدی دو نظام ارائه می‌دهد. از مقایسه ذیل برمی‌آید که ایران از حیث ساختار تقنینی پیشرفته‌تر، اما از حیث تطبیق فقهی سخت‌گیرانه‌تر است، در حالی که عراق قوانین خود را منعطف‌تر تدوین کرده، ولی در ضمانت اجرا و کارکرد نهادی به مراتب ضعیف‌تر است.

جدول ۲- افتراقات و تفاوت‌های ساختاری

ارزیابی و انطباق با CRCLA	نظام حقوقی عراق	نظام حقوقی ایران	حوزه مورد بررسی
قوانین عراق انعطاف بیشتری در سن حضانت و تصمیم فردی کودک نشان می‌دهد.	تا ۱۰ سال با مادر؛ قابل تمدید تا ۱۵ سال با صلاح‌دید دادگاه؛ حق انتخاب طفل پس از آن (ماده ۵۷ ق.ا.ش)	تا ۷ سال با مادر، سپس با پدر؛ امکان تغییر به حکم دادگاه (مواد ۱۱۶۹ و ۱۱۷۳ ق.م)	سن حضانت
ایران در نظام‌مندی تقنینی پیشروتر است؛ عراق به انسجام اجرایی نیاز دارد.	مقررات حمایتی در مواد پراکنده قانون احوال شخصیه و قانون جزا؛ فاقد قانون جامع.	قانون جامع «حمایت از اطفال و نوجوانان» مصوب ۱۳۹۹، همراه با ضمانت کیفری و نهادی	چارچوب حمایتی قانونی
هر دو کشور با معیار سنی ۱۸ سال کنوانسیون فاصله دارند، ولی عراق در قانون نوین محدودیت بیشتری دارد.	حداقل سن ازدواج ۱۸ سال؛ در صورت اجازه دادگاه قابلیت تقلیل دارد؛ در مناطق عشیره‌ای سخت‌گیری کمتر است.	ازدواج زیر ۱۳ سال با اذن ولی و دادگاه ممکن (ماده ۱۰۴۱ ق.م)	ازدواج کودکان
عراق از منظر کیفری همگن‌تر و نزدیک‌تر به الگوی بین‌المللی عمل کرده است.	عدم مسئولیت زیر ۹ سال؛ بین ۹ تا ۱۸ سال مسئولیت نسبی و اصلاحی (قانون جزای عراق).	مبنای فقهی بلوغ شرعی: دختر ۹ قمری، پسر ۱۵ قمری، معیار سنی واحد ندارد.	مسئولیت کیفری اطفال
اشتراک کامل در حفظ نسب؛ تفاوت اندک در ساختار نظارتی اجرا.	تبئ رسمی ممنوع؛ اما کفالت با نظارت وزارت کار و امور اجتماعی پذیرفته شده	ممنوعیت تبئی مطلق؛ جایگزینی با «سرپرستی دائم یا موقت» طبق قانون ۱۳۹۲	نظام فرزندخواندگی
عراق از منظر اجرایی آسیب‌پذیرتر است.	ممنوعیت مشابه (ماده ۹۰ قانون کار ۲۰۱۵) ولی نرخ بالاتر کار کودکان به دلیل جنگ و فقر	ممنوعیت کار زیر ۱۵ سال (ماده ۷۹ قانون کار): ضعف نظارت بر کار خیابانی	کار کودک و حمایت اجتماعی
هر دو از ضعف اجرا رنج می‌برند، ولی عراق در قیاس ناپایدارتر است.	ضعف گسترده نهادی، بازماندگی نظارت، آسیب‌پذیری جنگ‌زدگان	ساختارهای نهادی منسجم‌تر (بهبودی، نیروی انتظامی، دادسرای اطفال) اما کمبود بودجه و آموزش کارکنان	نظارت و اجرا

۳-۴. چالش تفسیری در الحاق و اجرای کنوانسیون حقوق کودک

هر دو کشور هنگام پذیرش کنوانسیون ۱۹۸۹، محدودیت‌هایی بر مبنای شریعت اعلام کردند. ایران در اعلامیه الحاق خویش تصریح نمود که «در صورت تعارض مفاد کنوانسیون با قوانین داخلی و موازین اسلامی، دولت خود را متعهد به تبعیت از قوانین داخلی می‌داند». این شرط موسوم به شرط حاکمیت شرع

از منظر حقوق بین‌الملل نوعی «حق شرط عام» محسوب می‌شود و امکان تفسیری استقلالی برای قوه قضائیه ایران ایجاد کرده است.

عراق نیز برخلاف ایران، ظاهراً بدون شرط رسمی به کنوانسیون ملحق شد، اما در عمل اجرای کامل آن را به دلیل ملاحظات فقهی و عرفی به تأخیر انداخته است؛ دادگاه‌های عراقی غالباً مفاد کنوانسیون را در پرتو اصول فقهی (مانند مصلحت ولی و حفظ نسب) تفسیر می‌کنند. این روند موجب شده است که کنوانسیون در هر دو نظام، نه به‌عنوان یک سند الزام‌آور برتر، بلکه به‌عنوان چارچوبی ارشادی و قابل تفسیر در سایه شریعت تلقی شود. بنابراین، شریعت اسلامی در هر دو نظام نقش دوگانه‌ای دارد: از یک سو موجد محدودیت در پذیرش برخی مفاد کنوانسیون (نظیر مواد ۱۴ و ۲۰ و ۲۱ مربوط به آزادی دین و فرزندخواندگی) و از سوی دیگر تضمین‌کننده مبانی عدالت حمایتی از کودک در درون نظام فقهی.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

بررسی تطبیقی نشان می‌دهد که اگرچه ایران و عراق از حیث مبانی دینی و فرهنگی و حتی تعهدات بین‌المللی اشتراکات گسترده‌ای دارند، اما مسیر حرکت عملی آنان در حمایت از حقوق کودک همسان نبوده است. ایران طی دو دهه اخیر با تصویب قوانین حمایتی (به‌ویژه قانون ۱۳۹۹) ساختار قانونی خود را منسجم‌تر کرده، در حالی که عراق با وجود اصلاحات پس از ۲۰۰۵، هنوز از ضعف نهادی و بی‌ثباتی اجرایی رنج می‌برد. با این حال، چالش‌های مشترک، به‌ویژه در سن حضانت، ازدواج و مشارکت اجتماعی کودک، نشانگر نیاز به بازنگری فقهی و حقوقی عمیق است.

پیشنهاد‌های اصلاحی و سیاستی:

۱. اصلاح تدریجی مواد مغایر با اصل مصلحت کودک: تشکیل کمیته‌های مشترک میان فقهای امامیه و اهل سنت به همراه حقوق‌دانان و کارشناسان روان‌شناسی کودک، جهت ارائه تفسیرهای پویا از فقه که با روح کنوانسیون (اصل بقا، رشد و مشارکت) همساز باشد. بازنگری فقهی مورد اشاره می‌تواند با احیای ظرفیت‌های موجود در منابع کلاسیک شیعه، از جمله تحلیل‌های شهید ثانی در شرح لمعه درباره تفکیک ولایت و حضانت و آرای امام خمینی رحمته‌الله در تحریرالوسیله در باب تقدم مصلحت طفل بر ولایت، زمینه همگرایی میان فقه و الزامات کنوانسیون را فراهم آورد.

۲. تقویت نهادهای اجرایی و نظارتی: در ایران، حمایت مالی و استقلال عملی سازمان بهزیستی و دادرهای تخصصی اطفال. در عراق، بازسازی نهادهای اجتماعی جنگ‌زده و آموزش نیروهای تخصصی در وزارت کار و امور اجتماعی ضروری است.

۳. تمرکز بر آموزش عمومی و فرهنگ‌سازی: گنجاندن موضوعات «آسیب کودک» و «حقوق خانواده» و «مسئولیت والدین» در برنامه‌های آموزشی رسمی و رسانه‌ای، به‌ویژه در نواحی روستایی و عشایری که عرف بر قانون غلبه دارد.

۴. همکاری منطقه‌ای و نهادسازی مشترک: پایه‌گذاری مجمع منطقه‌ای کشورهای اسلامی برای رصد اجرایی کنوانسیون حقوق کودک، تبادل داده‌های آماری و هماهنگی در اصلاحات تقنینی مرتبط با کودک.

۵. توجه به حوزه‌های نوپدید حقوق کودک: از جمله حمایت در فضای مجازی، جلوگیری از بهره‌کشی تبلیغاتی و ایجاد سازوکارهای جدید مشارکت کودکان در فرایند تصمیم‌گیری‌های اجتماعی و قضایی. به‌منظور تقویت حمایت از حقوق کودک در دو کشور پیشنهاد می‌شود:

۱. ایران

ماده‌واحد- رعایت منافع عالی‌ه کودک در تصمیمات قضایی و اداری: «در تمام تصمیم‌ها و اقدامات مؤثر بر زندگی کودک، منافع عالی‌ه او با توجه به سن، جنس، وضعیت جسمی و روانی و شرایط فرهنگی اجتماعی، باید اولویت مطلق داشته باشد.» (بر پایه ماده ۳ کنوانسیون حقوق کودک). لازم است تصمیم‌های مغایر با این اصل باید مستند و مکتوب ارائه شود و قوه قضائیه موظف است آیین‌نامه شاخص‌های ارزیابی منافع عالی‌ه کودک را ظرف شش ماه تدوین و ابلاغ کند.

۲. عراق

ماده‌واحد- حمایت از کودکان در مناطق جنگی: «دولت مکلف است کودکان ساکن یا متأثر از درگیری‌های نظامی را شناسایی، حمایت و بازپروری کرده و شرایط ادغام اجتماعی آنان را رایگان فراهم نماید.» (بر پایه ماده ۳۸ کنوانسیون حقوق کودک). باید استفاده از افراد زیر ۱۸ سال در فعالیت‌های نظامی ممنوع و مشمول مجازات قانونی است و وزارت کار و امور اجتماعی با همکاری نهادهای مربوط، موظف به ایجاد مرکز ملی بازپروری کودکان متأثر از جنگ ظرف شش ماه است.

فهرست منابع

- امامی، اسداله و صفایی، سیدحسین (۱۳۹۷). **حقوق خانواده (جلد اول)**. تهران: نشر میزان.
- الجیشی، یعرب و بلاسم. طلال (۲۰۲۲). **القوانین الأساسية العراقية ومدى تطابقها مع اتفاقية حقوق الطفل**. أطروحة ماجستير، جامعة الكوفة، كلية القانون.
- الحسن، مالک لفته حسن (۲۰۲۲). **حقوق الأطفال في التشريعات العراقية والتحديات التنفيذية**. رسالة ماجستير، جامعة بصره، كلية القانون.
- حلی، حسن بن یوسف (علامه حلی). **تذكرة الفقهاء**. قم: مؤسسه آل‌البت علیهم‌السلام لإحياء التراث، بی‌تا.
- خمینی، روح‌الله (۱۳۶۳). **تحریر الوسیله (جلد دوم)**. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- شهید ثانی، زین‌الدین بن علی (بی‌تا). **شرح اللمعة الدمشقية**. قم: دارالکتب الإسلامية.
- صادقی، محمد (۱۴۰۲). **شرایط حضانت کنده در حقوق ایران و عراق**. مجله پژوهش‌های تطبیقی حقوق، دوره ۱۱، شماره ۴.
- ظهرب‌زاده، نسیم، و اسدی، هرمز (۱۴۰۱). **بررسی تطبیقی حق حضانت کودک در حقوق ایران با نگاهی به سایر کشورها**. مجله پژوهش‌های فقهی و حقوقی، دوره ۸، شماره ۲.
- عالمی، محمدحسین و طایی، فریبا (۱۴۰۰). **بررسی تطبیقی حقوق کودک از منظر حقوق ایران و حقوق بین‌الملل**. مجله پژوهش حقوق و فقه تطبیقی، دوره ۴، شماره ۱.
- العبد الله، بیستون أحمد (۲۰۲۱). **دراسة مقارنة لحقوق الطفل في العراق وأحكام القانون الدولي**. رسالة ماجستير، جامعة بغداد.
- قرضاوی، یوسف (بی‌تا). **فقه الأسرة**. قاهره: دارالشروق.
- کریم‌پور، پردیس و بهرامی، الهه (۱۴۰۳). **چالش‌های دولت ایران در برابر حقوق کودکان کار با توجه به حقوق بین‌الملل**. مجله حقوق کار و تأمین اجتماعی، دوره ۴، شماره ۱.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۹۵). **فقه الاجتماع؛ بررسی حقوق کودک در فقه اسلامی**. قم: دارالفکر.
- نجفی، محمدحسن (صاحب جواهر) (بی‌تا). **جواهرالکلام فی شرح شرایع الإسلام**. قم: دار إحياء التراث العربی.
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۵۸.
- قانون مدنی ایران، مصوب ۱۳۰۷ و اصلاحات بعدی.
- قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۹۲.
- قانون حمایت از اطفال و نوجوانان، مصوب ۱۳۹۹.
- قانون کار جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۶۹.
- قانون احوال شخصیه عراق، شماره ۱۸۸، مصوب ۱۹۵۹ و اصلاحات بعدی.
- قانون اساسی جمهوری عراق، مصوب ۲۰۰۵.

قانون کار عراق، مصوب ۲۰۱۵.

قانون جزای عراق، مصوب ۱۹۶۹.

References

UNICEF. (2022). Children in Iraq: Annual Situation Report. Baghdad: UNICEF Iraq.

United Nations. (1989). Convention on the Rights of the Child (CRC). New York: United Nations.